

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر در تهران

با نگاهی به آتش سوزی و تخریب ساختمان پلاسکو

ناصر فکوهی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

صبح روز ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵، ساختمان پلاسکوی تهران در طبقات فوقانی خود دچار آتش سوزی شد. بنا بر گزارش هایی که خبرگزاری ها ارسال کردند، این آتش سوزی، چند ساعت پس از شروع خاموش شد، اما به دلایلی که هنوز مشخص نیست، بار دیگر از سر گرفته و شدت یافت به صورتی که چند ساعت بعد، کل ساختمان فرو ریخت و شمار قابل ملاحظه ای از آتش نشانان و شاید تعداد زیادی از مردم زیر آوار ماندند و جان باختند. دو روز پس از شروع آتش سوزی، هنوز این آتش مهار نشده و به ساختمان های مجاور کشیده شده است. محله های نزدیک به این مکان بحرانی، ازدحام زیاد مردم و تنش های بین مسئولان درباره یافتن «مقصر» و تأکید بر این که بارها و بارها خطرات موجود در

ایمنی این ساختمان به مسئولانش «هشدار» داده شده، هنوز در جریان است. افزون بر این، ماجرای فروپاشی ساختمان که یکی از نمادهای پایتخت و نشانه‌ای از موفقیت معماری و تجاری در دورانی طولانی است و به شهادت رسیدن آتش‌نشانان و شاید تصویری دوردور که این فاجعه را به فروپاشی برجهای دوقلو در سال ۲۰۰۱ شبیه می‌کرد - و طبعاً شوکی عاطفی را که از آنها ایجاد شده بود - به یاد می‌آورد. همچنین دلایل بسیار دیگری این حادثه را به‌رغم آن که نظایر آن بارها در همین سال‌های اخیر در همه جای کشور اتفاق افتاده است، به یک بحران در افکار عمومی تبدیل کرد. در این نوشتار، هدف ما بررسی داده‌های فن‌آورانه و مباحث فنی و حتی مباحث شهرشناسی مربوط به این قضیه نیست، بلکه هدف‌مان استفاده از نشانگان (سندروم) این حادثه، برای به نمایش گذاشتن بحران نهفته اما بسیار خطرناکی است که در حال حاضر شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران را تهدید می‌کنند و عموماً تأکید بر حادثه مفروض و هولناک «زمین لرزه بزرگ» تهران است؛ حادثه‌ای که در صورت وقوع «آن‌قدر هراسناک است که همه ترجیح می‌دهند درباره‌اش فکر نکنند و کمابیش، حتی از کنار تصورش بگذرند، غافل از آن‌که، کمتر به این نکته فکر می‌شود که گروهی از حوادث حتی کوچک، می‌توانند در زنجیره و چرخه‌های باطل، به زیان‌های انسانی و مادی به همان اندازه هولناک منجر شوند» و پیامدهای بی‌نهایت خطرناکی برای کشور داشته باشند.

تجربه برخورداری از شهرهای بزرگ به‌ویژه کلان‌شهرها برای کشور ما، امری بسیار متأخر است که عمر آن به کمتر از چهار یا پنج دهه می‌رسد. از این مدت زمان نیز، کشور ما حداقل دو دهه را در شرایط بحرانی گذرانده‌ایم که نمی‌تواند معیار باشد. بنابراین به‌رغم تاریخ و گذشته‌های اغلب رویایی که برای خود می‌سازیم، تجربه شهرنشینی مدرن را در کمتر از دو دهه داشته‌ایم که آن‌هم شکلی بسیار پریشان و



ناپسامان داشته است؛ کما این‌که اغلب شهرهای ما اگر از تزریق درآمد نفتی - که سبب پدید آمدن ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مراکز کمابیش «جذاب» با ظاهری دل‌فریب شده‌اند - بگذریم، به شدت با آسیب‌هایی اساسی و هولناک نظیر بی‌هویتی یا ضعف احساس تعلق شهری، پایین بودن سطح مدنیت یا شهروندی، عدم تبعیت کنشگران از قانون، فسادهای اداری و مالی گسترده، بی‌سامانی توسعه شهری، عدم رعایت قوانین ساخت‌وساز و بی‌توجهی به حریم‌ها و تصمیم‌گیری‌های قانونی طرح‌های تفصیلی، کمبود و کهنگی امکانات شهری (از جمله برای مبارزه با سوانح طبیعی)، آلودگی آب و خاک و هوا، خطر ریزش و سستی زمین، مشکلات مالکیت اسناد املاک، مزاحمت‌های همسایگی و عدم جاافتادن زیستگاه جدید آپارتمانی، حمل‌ونقل نامطلوب جمعی، ناسازگاری سبک‌های زندگی و تنش میان آن‌ها، دخالت مدیریت‌های سیاسی در حوزه خصوصی شهروندان، عدم مدیریت مناسب زمان و نبود یا بحرانی بودن شهر شب، و ... روبه‌رو هستند و این‌ها تازه بخشی از مشکلات را تشکیل می‌دهند. در این شرایط اگر خواسته باشیم واقع‌بینانه به موقعیت خود بنگریم، باید پیشینه تمدنی و شهری باستانی و قدیمی ایران را کنار بگذاریم، چون هم فاصله‌مان با آن بسیار زیاد است و هم خود این پیشینه، دارای گسست‌های بی‌پایان درون خویش است. افزون بر این، اصولاً شهر مدرن، ربطی به شهر باستانی نه در شکل و نه در محتوا ندارد.

از این رو برای آن‌که بحران شهری خود را درک کنیم، ابتدا باید به درکی از شهر و به‌خصوص کلان‌شهر برسیم و زمانی که این مسئله را درک کردیم، لازم است به این نکته نیز توجه داشته باشیم که کلان‌شهرهای مختلف، به‌رغم مشخصات شبیه به یکدیگر، در چارچوب‌های فرهنگی، منطقه‌ای متفاوت، دارای الزامات و شرایط متفاوتی می‌شوند که آن‌ها را نیز باید مد نظر قرار داد، و سرانجام این‌که



سخن نگفتن از بحران و فاجعه و مشکلات، نه تنها خطر آن‌ها را کم نمی‌کند، بلکه به شدت بر پیامدهای این خطرات در صورت بروزشان می‌افزاید. بنابراین هر چند ما معتقد به این نیستیم که هر سخنی رسانه‌ای شود ولی باور داریم که مسئله بحران‌های شهری و راه‌های مبارزه و مهار کردن آن‌ها را باید در سطوح مختلف مورد توجه قرار داد که یکی از مهم‌ترین این سطوح، سطح دموکراتیک و سازمان‌های مردم نهاد است. در واقع بحث بحران، برای ما هم جنبه‌هایی بسیار تخصصی دارد که باید در کمیسیون‌های ویژه به بحث گذاشته شود و هم از جنبه‌هایی امنیتی و سیاسی برخوردار است و هم عرصه افکار عمومی و کنش مستقیم اجتماعی که باید با شفافیت تمام اما به دور از کنش‌ها و واکنش‌های عاطفی به آن‌ها پرداخت. وقتی شاهد آن هستیم که آتش سوزی در یک ساختمان و فروریختن آن با تلفات احتمالاً نسبتاً محدود (در مقایسه با فجایعی که در همین چند سال در شهرهای دیگر و جاده‌های کشور با آنها روبه‌رو بوده‌ایم و حتی صرف نظر از فجایع مربوط به زلزله که چندان دور نیستند) چنین پیامدهایی دارد، بی شک مشکلی هست که به جای تمرکز کردن صرف بر جنبه‌های انسان‌دوستانه و مثبت آن - که حتماً لازم و مفید هستند - باید به آسیب‌شناسی آن‌ها نیز پرداخت.

کلان‌شهر، یعنی تجمیع‌های گسترده مردم در پهنه‌های نسبتاً محدود. در عین حال کلان‌شهر یعنی افزایش دائم امکانات و امتیازاتی که آن را به یک قطب جذاب جمعیتی و اسطوره‌ای تبدیل کرده و دائماً افراد جدیدی را درون خویش می‌کشد که خود در یک چرخه معیوب، ثروت بیشتری را ایجاد کرده و امکانات را افزایش داده است و در عین حال شهر و زمین شهری را گران‌تر و گران‌تر کرده است. این جاست که چرخه‌های بزرگ‌تری از فساد و شکنندگی به وجود می‌آیند. کلان‌شهر را نمی‌توان به هر شکلی و با هر سلیقه‌ای مدیریت کرد و در این جا بحث



ایدئولوژی و تمایل سیاسی این یا آن گروه مطرح نیست. کلان شهر را نمی توان با فساد گسترده و بی ضابطه ای که هیچ چیز جز سود بردن بلا فصل بدون توجه به آینده را در نظر نمی گیرد، اداره کرد؛ کلان شهرها، درون نظام های منطقه ای قرار دارند (مثلاً ما در خاورمیانه و نزدیک به ذخایر اصلی منابع انرژی فسیلی جهان) و مشخصات و الزامات آن منطقه بر سرنوشت شان تاثیر دارد، به گونه ای که اگر کوچک ترین احتمالی وجود داشته باشد که یک بحران نقطه ای و محلی به بحرانی گسترده تبدیل شود و موقعیت ژئولیتیک منطقه ای را به خطر بیاندازد، بدون شک شاهد دخالت ها و دستکاری های قدرت های بزرگ برای حفظ منافع شان خواهیم بود. بنابراین در یک کلام باید کلان شهر را درک کرد. باید فهمید که جمع شدن میلیون ها انسان در فواصل فیزیکی بسیار اندک با هم نیاز به نظام هایی دارد که کوچک ترین حرکات و رفتارهای آن ها، عواطف آن ها، کنش ها و واکنش های آن ها را پیش بینی کند، در نظر بگیرد و در نظام مدیریتی خود دخالت دهد. بدترین شیوه اندیشیدن به کلان شهر، توهم اداره آن بر اساس نظام های آمریت سخت و انعطاف ناپذیر است. یعنی بر اساس سیستم پلیسی و امنیتی. پلیس، از نهادهای مهم و ضروری برای هر شهری محسوب می شود، به خصوص برای کلان شهرها که در آنها جرائم خواسته یا ناخواسته گسترده و فراوان حضور دارد، اما پلیس نمی تواند مدیریت کلان شهر را به تحقق در بیاورد. مدیریت شهری، عمده تاً باید در حکومت محلی (یعنی شهرداری) متمرکز باشد و شهرداری برای آن که بتواند کار خود را به خوبی انجام دهد، باید هم دارای اراده واقعی برای مقابله با بحران باشد و هم از بحران زایی خواسته یا ناخواسته، جلوگیری کند و علاوه بر این ها ابزارهای لازم برای این کار را در اختیار داشته باشد.

اگر به ماجرای ساختمان پلاسکو بازگردیم، دست کم دو داده اساسی کاملاً مشهود را می توانیم مورد تأکید قرار دهیم؛ نخست آن که



این ساختمان، فاقد نوسازی‌های لازم، جهت تداوم کار خود بوده است و این را بلافاصله مسئولان مربوطه با انتشار مدارک بیان کردند که بارها و بارها، فقدان شرایط امنیت برای تداوم کار واحدها به آن‌ها «گوش زد» شده است، اما این گوش زدها، خود شمشیری دولبه هستند، زیرا هم خیر از بی‌مسئولیتی صاحبان واحدهای این ساختمان می‌دهند و هم از طرف دیگر، نبود اراده یا کمبود قدرت اجرایی مسئولانی را نشان می‌دهند که به‌رغم عدم رعایت اخطارها، کاری برای عملی شدن آن‌ها نکرده‌اند. در حالی که می‌بینیم عدم رعایت نکات ایمنی، نه فقط خود ساختمان، بلکه ساختمان‌های دیگر و کل شهر را به خطر می‌اندازد. نکته دوم این که این ساختمان در پهنه‌ای از تهران قرار دارد که حداقل بیست سالی است که بررسی‌های کارشناسی از آن به عنوان بافت فرسوده شهری سخن می‌گویند که حتی بدون وقوع زلزله نیز امکان ریزش و خرابی و آتش‌سوزی و غیره را دارند. در چند دهه‌ای که از جنگ می‌گذرد، واقعا چه سیاستی برای بازسازی این مناطق، به جای ایجاد ساخت‌وسازهای جدید صورت گرفته است؟ این نکته‌ای اساسی است که باید به آن توجه کرد. افزون بر این، سال‌هاست که می‌دانیم، امکانات مقابله با بحران در شهرهای ما اندک‌اند (به‌ویژه برای مقابله با آتش‌سوزی در ساختمان‌های بلند مرتبه)، سال‌هاست می‌دانیم در شهری که به اذعان همگان هر لحظه می‌تواند قربانی زلزله شود، باید از فضاهای خالی یعنی پهنه‌های بزرگ بدون ساخت‌وساز (مثلاً فضاهای سبز وسیع) برخوردار بود که بتوانند برای چنین بحران‌هایی استفاده شوند. همه می‌دانند در چنین شهری نباید به گروهی از ساختمان‌ها (مثلاً ساختمان‌های بلند مرتبه، نماهای شیشه‌ای، ساخت‌وساز روی گسل‌ها و ...) پروانه ساخت داده شود. همه می‌دانند که در چنین شهری، باید امکان حرکت وسایل موتوری را در همه شریان‌ها ایجاد کرد؛ در حالی که می‌دانیم در بسیاری از نقاطی که در همین پهنه فرسوده



تهران قرار دارند، کوچه ها امکان هیچ گونه حرکتی را نمی دهند. همه می دانیم که شهرهای زلزله خیز در حد تهران را نباید با سیاست گازرسانی گسترده اداره کرد، زیرا این امر، خطر آتش سوزی های بزرگ را ایجاد می کند. همه می دانند که در این شهرها نباید انبارهای مواد سمی و شیمیایی وجود داشته باشد و چه بسیار نکات دیگر که نقطه های شروع بحران های شهری و آسیب های بی نهایت پس از آن ها هستند.

اما ماجرای بحران ها و آسیب های ناشی از آنها، به این جا ختم نمی شود. ما در سطح شهروندی خود نیز دچار مشکل هستیم. رفتارهای بسیار احساساتی و گاه حقیقتاً سودجویانه، نمایشی و بازی با حوادث برای سرگرمی روی شبکه های اجتماعی، رفتارهایی به شدت رایج هستند که همه ما آن ها را در جریان تصادف های جاده ای و این گونه حوادث آتش سوزی، بارها و بارها دیده ایم. آدم هایی که با ازدحام مایل اند «لحظه ها را ثبت کنند» و آن ها را بلافاصله روی شبکه اجتماعی قرار دهند؛ کسانی که گاه صادقانه مایل هستند کمک کنند، اما راه و روش های این کار را نمی دانند و به خصوص در زلزله ها، خود از عامل گسترش و تشدید ریزش های زمین و قربانی شدن افرادی می شوند که اگر آن ها حضور نداشتند، شاید امکان نجات شان وجود داشت. این امر را در حادثه پلاسکو نیز به صورت مکرر دیدیم که یکی از موانع کار آتش نشانان حضور گسترده مردم و تمایل آنها به دخالت بود. از همین جا می توانیم باز به نتیجه گیری مهم دیگری برسیم که در کنار تقویت نهادهای شهری و مبارزه با فساد و عدم کارایی در نظام های شهری، باید بر آن تأکید کرد و آن ضرورت ایجاد هسته ها و انجمن های مردم نهاد برای مقابله با بحران است. این کار، کاملاً عملی است و می تواند در سطح محله ای، سامان دهی شود. در حال حاضر، شهرداری تهران در حوزه هایی دیگر برنامه هایی گسترده برای گردهم آوردن مردم در انجمن های مردمی و ترغیب آن ها به کار جمعی،



ورزش، خلاقیت‌های هنری و غیره دارد، اما شاید لازم باشد این کار با همکاری نهادهای دیگر، به حوزه بحران‌های شهری تعمیم یابد؛ یعنی در سطح محله بتوان به انجمن‌ها امکان داد که این بحران‌ها را به صورت مانورهای عملیاتی، تجربه کنند و آموزش‌های لازم به افراد را داد. حتی از این فراتر، دخالت و مشارکت مردم می‌تواند از طریق امکان دادن به شفافیت و کنترل مردمی بر رعایت ضوابط ایمنی باشد. می‌توان به جای آن که صرفاً ماموران دولتی، مسئول کنترل ایمنی فضاهای شهری باشند، همه مالکان را موظف کرد پروانه ایمن‌سازی فضا را در پیشخوان خود و برای مشاهده مردم قرار دهند و امکان پیگیری واقعی بودن آن را از طریق شبکه اجتماعی فراهم آورد. اگر رسانه‌ها آزادتر و مستقل‌تر باشند، بسیاری از این موارد، قابل حل است و البته این، جای نگاهی عمیق‌تر و کلان‌تر برای مبارزه با فساد و کنترل برنامه‌ریزی شهری و بازسازی بافت‌های فرسوده - که سوای خطر زلزله‌های بزرگ، حتی می‌تواند با گروهی از حوادث کوچک نظیر همین آتش‌سوزی در ساختمان پلاسکو موقعیت‌های بحران در سطح شهر، کشور یا حتی منطقه ایجاد کند - را نمی‌گیرند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز